



● در آمد

تحصیل علم مشقت دارد...

■ نگاهی به مقام علمی شهید اشرفی اصفهانی

«زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نه چای داشتیم، نه نفت و قند، برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را دوره می‌کردم. در مدت دوازده ساعتی که یک‌سره آن‌جا مطالعه می‌کردم غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود. چیز دیگری نداشتم...» شهید محراب پس از مدتی فوق‌العاده مورد توجه مرحوم آیت‌الله بروجردی قرار می‌گیرد، به‌طوری که اگر ملاقات با ایشان به تأخیر می‌افتاد، کله می‌فرمود.

سطح فقه و اصول، من حتی یک کتاب ملکی از خودم نداشتم. تمام کتاب‌هایی که در اختیارم بود، وقفی بود. اگر انسان علم را با مشقت بیاموزد، قدر آن را نیز بیش‌تر می‌داند. شرح حالات علمای بزرگ را که مطالعه کنیم در می‌یابیم اکثر یا همه آن‌ها از طبقه محروم جامعه بوده و با نهایت مشقت و تنگدستی درس خوانده‌اند. جمله یا حدیثی است مشهور که «العلم للفقراء لا للاغنیاء». این یک واقعیت است. تحصیل علم مشقت دارد. شخص ثروتمند و غنی به آسایش خو می‌کند و اغلب حاضر نیست برای تحصیل علم زحمت بکشد و مشکلات و مشقات را تحمل کند.

هجرت به حوزه علمیه قم

شهید محراب، در سن بیست سالگی، برای ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالی‌ه علمی و درجه اجتهاد، در سال ۱۳۴۳ هجری قمری، رهسپار قم شد. ابتدا، به مدت یک سال در مدرسه رضویه اقامت گزید. پس از آن، در معیت آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی، به مدت دو سال، در مدرسه فیضیه، در حجره فوقانی شمالی، سکونت کرد. سپس به حجره ۲۱ شمالی تحتانی فیضیه انتقال یافت. مدت بیست سال متوالی از عمر خود را، به‌طور مجرد، در همین حجره گذراند. در تمام طول مدت بیست و سه ساله اقامت در قم، تنها سه یا چهار ماه با خانواده‌اش بود و بقیه این سنوات را تنها و مجرد به سر آورد. علت تنهایی ایشان، در این مدت طولانی، تنگدستی و فشار زندگی بود که حتی توانایی اجاره کردن یک اتاق را نداشت. زیرا ورود او به قم در زمان حیات مرحوم آیت‌الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم اتفاق افتاد و ایشان به طلاب جدیدالورود شهریه نمی‌دادند، یعنی اوضاع طوری نبود که بتوانند بدهند. پس از فوت آیت‌الله حائری و ریاست مراجع و آیات ثلاث (مرحومان آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله

«دوشنبه خوراکم تمام می‌شد، سه‌شنبه دو ریال پولم را خرج می‌کردم، چهارشنبه را که آخرین روز تحصیل بود بدون پول و غذا می‌گذراندم.» مکرر می‌فرمود: «من به‌نحوی درس خوانده‌ام که در این زمان احدی حاضر نیست حتی یک صدم آن را هم تحمل کند.»

در این باره، نمونه‌هایی از فشار زندگی و عدم توانایی مالی خودشان را این‌گونه شرح می‌دادند: «زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نه چای داشتیم، نه نفت و قند، برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را دوره می‌کردم. در مدت دوازده ساعتی که یک‌سره آن‌جا مطالعه می‌کردم غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود. چیز دیگری نداشتم.»

«در مدرسه رضویه قم، مدتی با یک نفر طلبه هم‌حجره بودم و این شخص وضع مالی خوبی داشت. او همیشه از غذای طبخ شده استفاده می‌کرد، ولی من قادر به تهیه آن نبودم. در این مدتی که من با این شخص در یک اتاق بودیم، ابتدا متوجه نشد که من کی شام و ناهار می‌خورم. من در حین مطالعه، مقداری نان خالی در کنار کتاب‌ها قرار می‌دادم و یک طرف دیگر را مقداری کتاب روی هم می‌گذاردم تا او متوجه نشود و من درحالی که روی کتاب قرار گرفته بودم، در حین مطالعه از آن نان خالی، لقمه‌لقمه استفاده می‌کردم. اما وقتی او موقع غذا خوردنش می‌رسید، غذای طبخ شده را حاضر می‌کرد و به بنده هم تعارف می‌کرد. من در جواب می‌گفتم غذا صرف کرده‌ام...» «از ابتدای شروع به تحصیل تا پایان تحصیلات

شهید محراب آیت‌الله اشرفی (قدس سره) وی یگانه فرزند ذکور مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین میرزاسدالله نوه مرحوم حجت‌الاسلام میرزا محمدجعفر از علمای معروف سده بود. جد اعلای ایشان از علمای جبل‌عامل بوده‌اند.

مادر شهید، از سادات و علویان معروف اصفهان، از خانواده مؤیدی و از سادات صحیح‌النسب بود. جدّ اُمی ایشان، از ساداتی بود که به داشتن کرامات بسیار در بین مردم اصفهان معروف بود.

شهید آیت‌الله اشرفی دو خواهر ابوبینی و پنج خواهر ابی دارد. پدر ایشان از انمه جماعات و اهل منبر و دارای کمالات علمی و تقوایی بود و در سن هفتاد و پنج سالگی به رحمت خداوند پیوست.

شهید اشرفی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در سده (خمینی شهر) نزد مرحوم سیدمصطفی تلمذ کرد. استعداد فراوان و حافظه‌ای قوی داشت؛ به‌طوری که کتاب نصاب‌الصبیان را در نه‌سالگی از حفظ می‌دانست. در سن دوازده سالگی، برای ادامه تحصیل، راهی اصفهان شد و در طی قریب به ده سال، دروس ادبیات و سطح فقه و اصول، هم‌چنین یک دوره درس خارج اصول را در محضر اساتید به‌نام این شهر آموخت. بعضی اساتید معروف ایشان در شهر اصفهان عبارت بودند از: مرحوم آیت‌الله سید مهدی درچه‌ای برادر مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر درچه‌ای استاد بزرگ مرحوم آیت‌الله بروجردی، مرحوم آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، مرحوم فشارکی، مرحوم مدرس.

شهید اشرفی، دوران طلبگی خود را با نهایت عسرت و مشقت اقتصادی گذراند. در مدت ده‌سالگی که در حوزه اصفهان بود، در هفته با دو قرآن، گذران معاش می‌کرد و هر هفته طول راه میان اصفهان و زادگاهش را که دوازده کیلومتر است پیاده می‌پیمود. خود می‌فرمود:

اولین اجازه اجتهاد، صادره از سوی این عالم مجاهد و متقی به آیت‌الله اشرفی اصفهانی داده شد. در آن هنگام شهید اشرفی چهل ساله بود. پیش از آن نیز شهید اشرفی، چندین اجازه در امور حسبیه از آقای خوانساری دریافت کرده بود.

صدر) هم به علت شهریه مختصری که می‌دادند، ایشان نمی‌توانست خانواده خود را به قم بیاورد. شهید، در این زمان، ماهانه، فقط حدود هشت تومان شهریه دریافت می‌کردند. پس از ورود مرحوم آیت‌الله بروجردی (قدس سره) به قم نیز که شهریه طلاب فاضل و متأهل به مبلغ چهل و پنج تومان رسید، باز هم این مبلغ حتی زندگی پانزده روز یک خانواده را تأمین نمی‌کرد. به همین سبب، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، به‌طور مجرد، در مدرسه فیضیه قم زندگی می‌کردند و هر چند ماه یک‌بار، چند روزی برای دیدار فرزندان و خانواده خود به اصفهان می‌رفتند. شهید آیت‌الله اشرفی تقریباً یک سال در جلسه درس مرحوم آیت‌الله حائری (قدس سره) شرکت کردند و پس از مرحوم آیت‌الله حائری چند سالی از محضر آیات ثلاث (مرحوم آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای، مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدتقی خوانساری، مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر) بهره‌مند شدند. بیش‌تر مطالب درس این سه بزرگوار را نوشته‌اند که اکثر جزوات فقه و اصول درس آقایان موجود است. شهید آیت‌الله اشرفی، پس از ورود به حوزه علمیه قم، مورد توجه خاص فضلا و علما - به‌خصوص آیات و مراجع ثلاث - قرار می‌گیرند و با توجه به موقعیت استثنائی آن زمان و شدت فشار روحی از طرف رژیم رضاخان پهلوی به طلاب و حوزه‌های علمیه و روحانیون، ایشان تمام این مشکلات را متحمل می‌شوند و با استقامت بی‌نظیر خود به تحصیل ادامه می‌دهند و حتی در امتحانات اجباری که از سوی رژیم پهلوی تنظیم شده بود شرکت می‌کنند و موفق می‌شوند جواز پوشیدن عمامه و لباس را دریافت کنند.

اجتهاد در سن چهل سالگی

شهید اشرفی، با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت فرمود و پس از اندک زمانی، از فضلا و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار آمد و بسیار مورد توجه مراجع تقلید آن زمان قرار گرفت. ایشان، به‌خصوص بسیار مورد لطف و عنایت مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمدتقی خوانساری قرار داشت، به‌طوری که آقای خوانساری، اغلب بی‌آن‌که قبلاً اطلاعی دهد، به حجره ایشان می‌آمد و گاه علاوه بر شهریه مختصر رسمی که به همه طلاب می‌داد، مبلغی جداگانه نیز به ایشان مرحمت می‌فرمود. اولین اجازه اجتهاد، صادره از سوی این عالم مجاهد و متقی به آیت‌الله اشرفی اصفهانی داده شد. در آن هنگام شهید اشرفی چهل ساله بود. پیش از آن نیز شهید اشرفی، چندین اجازه در امور حسبیه از آقای خوانساری دریافت کرده بود.

مرحوم آیت‌الله خوانساری، در آن زمان، در مدرسه فیضیه اقامه نماز جماعت می‌کرد و در غیاب ایشان حضرت امام خمینی که در آن زمان از فضایی معروف بودند و زهد و تقوای ایشان مورد قبول همه محصلین و طلاب حوزه بود، به نیابت از ایشان به امامت جماعت می‌ایستادند. در غیاب حضرت امام خمینی نیز، با اصرار طلاب و فضلا، آقای اشرفی اصفهانی جماعت می‌کرد که در یک نوبت، امام خمینی نیز به ایشان اقتدا کردند. پس از رحلت مرحوم

به‌نحوی که بزرگان علما و مراجع تقلید فعلی نیز به درس ایشان حاضر شدند و از درس ایشان کسب فیض کردند. شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی، به‌نحوی شیفته درس و بیان مرحوم آیت‌الله بروجردی شد که می‌فرمود: «من پس از اندک زمانی، ناگزیر دروس دیگر مراجع تقلید را رها کردم و جدیت و کوشش کردم تا مطالب آیت‌الله بروجردی را جمع‌آوری و مطالعه کنم». لذا در طی مدت دوازده سال که آیت‌الله اشرفی در محضر درس ایشان حضور می‌یافت، تمامی دروس آن مرحوم را می‌نوشت و این نوشته‌ها اکنون موجود است، ولی متأسفانه خود شهید نتوانست آن‌ها را به چاپ برساند.

شهید محراب، پس از اندک زمانی، با مرحوم آیت‌الله بروجردی مناسبات نزدیک یافت، به‌طوری که مرتب به دیدار ایشان می‌رفت. هر وقت شهید اشرفی به اصفهان می‌رفت و باز می‌گشت، مرحوم آیت‌الله بروجردی به دیدار شاگرد خود به حجره او در مدرسه فیضیه می‌آمد؛ هم‌چنین سایر مراجع تقلید؛ به‌خصوص مرحوم آیت‌الله خوانساری.

مرحوم آیت‌الله بروجردی، در یکی از دیدارهای شان با آیت‌الله اشرفی به ایشان می‌فرماید: «شنیده‌ام شما جزوه درس فقه و اصول را خوب می‌نویسید».

شهید، در پاسخ اظهار می‌دارد: «گمان نمی‌کنم چنین باشد. این، فقط از حسن ظن آقایان و حضرت عالی است، و چنین نیست». مرحوم بروجردی، با اصرار یک جزوه از درس فقه را می‌گیرند و می‌برند و پس از چند روز برای ایشان تقدیرنامه‌ای می‌فرستند.

شهید محراب، پس از مدتی فوق‌العاده مورد توجه مرحوم آیت‌الله بروجردی قرار می‌گیرد، به‌طوری که اگر ملاقات ایشان به تأخیر می‌افتاد، گله می‌فرمود و اگر نام ایشان و آقای جبل عاملی که از مدرسین معروف قم و هم‌درس ایشان بود، در محضر آیت‌الله بروجردی برده می‌شد، مرحوم بروجردی می‌فرمود: «مگر ایشان در قم هستند؟» و این حکایت از این داشت که آیت‌الله بروجردی بر حسب علاقه زیاد، مایل بود بیش‌تر این دو نفر را ملاقات کند. در اعیاد مذهبی نیز که مردم به ملاقات آیت‌الله بروجردی می‌رفتند، به شهید محراب و بعضی دیگر از فضلا اظهار می‌شد که نزدیک بنشینند تا ایشان را ببینند. بعدها، شهید محراب، به دستور مرحوم آیت‌الله بروجردی، در کرمانشاه (باختران) رحل اقامت افکند.

گاهی آیت‌الله اشرفی از آیت‌الله بروجردی تقاضای اجازه مسافرت می‌کرد و ایشان اجازه نمی‌فرمود. مدت سه سال درخواست این اجازه را تکرار می‌کرد و ایشان موافقت نمی‌فرمود و اظهار می‌داشت: «وجود شما در کرمانشاه بسیار نافع است و من اجازه این کار را نمی‌دهم» و شهید محراب هم چون فوق‌العاده به استاد خود علاقه‌مند بود، مایل نبود، بدون اذن ایشان، مسافرت کند. حتی بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی (قدس سره) نیز گاهی که به فکر مسافرت می‌افتاد، خواب مرحوم آقای بروجردی را می‌دید که در خواب می‌فرمود: «صلاح است در کرمانشاه بمانید.» و به این ترتیب ایشان از مسافرت منصرف می‌شد. ■

برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آیت‌الله خوانساری، نماز جماعت در مدرسه فیضیه توسط آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی (اب‌الزوجه مرحوم آیت‌الله خوانساری) منعقد شد و باز در غیاب ایشان، هر وقت که شهید محراب در قم تشریف داشتند، به نیابت از ایشان هم اقامه جماعت می‌فرمودند. هر گاه ایشان به نماز جماعت در مدرسه فیضیه می‌ایستاد، بدون استثناء، همه طلاب و فضلا به آن بزرگوار اقتدا می‌کردند. زهد و تقوای ایشان مورد قبول همه بود. این امر، از پیام تاریخی امام نیز کاملاً مشهود است که فرمودند: «من قریب شصت سال بود ایشان را می‌شناختم» این جمله، گویای همین مطلب است که امام در زمان مرحوم آیت‌الله حائری و آیات ثلاث، با شهید محراب آشنا بودند و از ایشان شناخت کاملی داشتند.

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، بنا به درخواست جمعی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم از بروجردی به قم تشریف آوردند. شهرت مرحوم آیت‌الله بروجردی، پس از مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (حاج سید ابوالحسن موسوی)، بیش از سایر علما بود و مقام علمی ایشان بر احدی مخفی نبود. مرحوم آقای بروجردی، از جهت بیان نیز کم‌نظیر بود. ایشان، پس از ورود به حوزه علمیه قم و شروع درس فقه و اصول، پس از اندک زمانی، توجه خاص فضلا و بزرگان حوزه را به خود جلب کرد؛

